

## جایزه نسیم شمال

این شماره روزنامه را نگهداری  
 نمایید، هفته آینده با علامتی که دارد  
 برنده جایزه گرانبهائی است.  
 در موقع دریافت جایزه باید عین  
 روزنامه ارائه داده شود.

« علامت مخصوص »

××



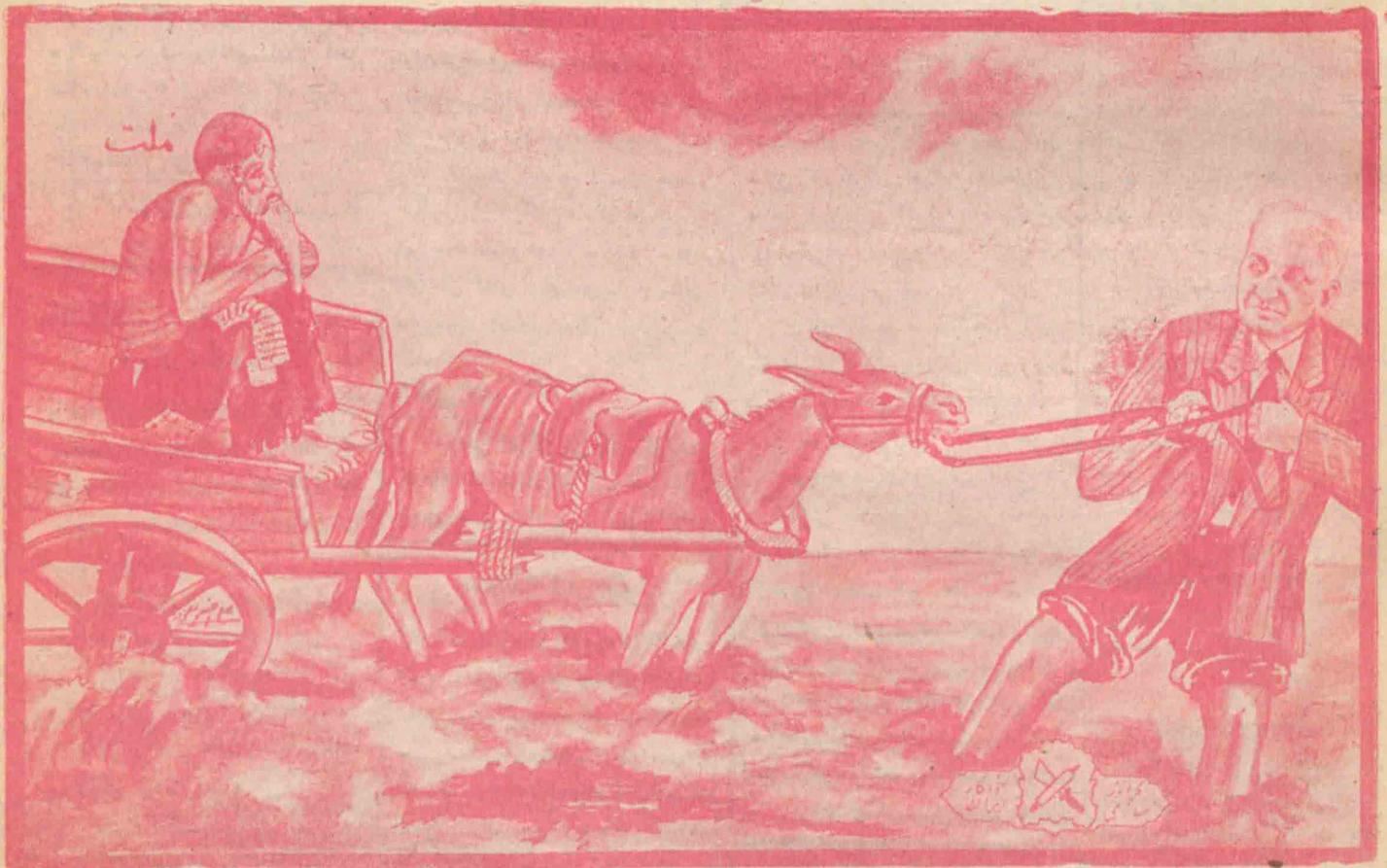
مرحوم اشرف الدین الحسینی  
 مؤسس نسیم شمال



# آیا زمامدار آینده ایران میتواند

ملت را از درماندگی نجات دهد؟

## ملت ایران بدبخت ترین مردم روی زمین است



طوفان مهیب و سهمگینی که  
 حیات آینده او را تهدید می  
 کند، سرگردان مانده و  
 هیچگونه راه گریز و نجاتی  
 ندارد.

امروز توده فقیر و ناتوان ایران  
 بقیه در صفحه ۲

سنگین و خطرناک شله خالی کرد،  
 زیرا میدانست قبول کردن زمامداری  
 در موقعی که اوضاع به نحو عادی  
 جریان ندارد، دیوانگی است و حیثیت  
 چندین ساله او هم در این راه بهدر  
 خواهد رفت.

امروز هات ایران در یک

بخواند اینهمه نفاق ها، دورنگی ها؛  
 تحمیل ها، فشار ها، را قبول کند؛  
 سقوط کابینه ساعد بضرر  
 ملت ایران تمام شد و یکبار  
 دیگر دیک خواهش های بیجای  
 نمایندگان بجوش افتاد!  
 مصدق السلطنه از زیر این بار

ملت صبور و قدرشناس ایران  
 ساعد را از دست داد، و با رفتن مرد  
 میهن پرستی مانند او، وضعیت کشور  
 تاریک و بهران آمیز شد.  
 اکنون اختلافات بسیاری بین  
 فراقسیونهای مجلس وجود دارد،  
 و گمان نبرود دولت آینده ایران

# در اداره گل پخش چه خبر است؟!

### خانم منصوره ریاحی

برای استخدام خود با آقای شانگهای کارمند اداره آمار جیره بندی و انصار بهای تاجر که در بازار مفازه طلاچیان انصاری تجارتخانه دارند بایکمه دیگر بفرح زاد میروند و بعد از ماندن دوسه شب در آنجا معلوم نیست روی چه مینا و قاعده ای در مرداد ماه ۱۳۲۳ استخدام میشوند

### آقای اعتضادی

از هر کس که در اداره گل پخش کاری کند پرسید چطور میتوان باموریت رفت فوراً بشما خواهد گفت برو آقای اعتضادی را ببین و ۲۵۰۰ ریال بده . کارها درست میشود یک کیلو قند و شکر که ۱۹ ریال در تهران ارزش دارد دیگر مستلزم آن نیست که یکمه کارمند و مامور را استخدام کرده و با دادن وجهی بعنوان خرج سفر باموریت بروند و این یک کیلو قند را که برای دولت در آنجا پیش از ۴۰ ریال تمام خواهد شد بخش کنند خوبست دولت در این مورد قند و شکر را آزاد بگذارد که نه مستلزم این همه مخارج شود و نه یکمه استفاده جو مثل آقای اعتضادی با فرستادن ماموریت راه دخی برای شود درست کنند

### آقای گل

رئیس کارگزینی اداره گل پخش که قبلاً کارمند اداره آب شهرداری بوده و ماهانه ۱۲۶ تومان حقوق داشته

### مجله ارتش

سه شماره در یکجمله از سال سوم مجله ارتش که از طرف اداره نگارشات نظامی و بمدیریت سرکار سرهنگ بهار مست منتشر شده بدفتر اداره ما رسید سرکار سرهنگ بهار مست که از افسران لایق و دانشمند ارتش هستند با کوشش و مجاهدت بی مانندی مجله ارتش را از آن طرز بکنواخت و خشک و خسته کننده بیرون آورده و با قسمتهای مختلفه ادبی و علمی و فکاهی روح نوینی بمجله ارتش داده اند . ما موفقیت این افسر جدی و پاک دامن و توانا و ادامه نشر مجله ارتش را از بزبان پاک خواهانیم

### در هر حال

... الم شنکه حزب توده تمام شد و اجتماع کثیف بر تاخال فروشها بهم خورد !  
... حزب بیکار ، میهن ، آزادی و وبالآخره معلوم شده ان جوجه های حزب توده ای هستند !  
... نفهمیدیم معنی کابینه فاشیستی آقای ساعد در ایران چه بود ؟ حزب فاشیست در اروپا با کابینه ایران هیچ تناسبی ندارد !  
... نفت ایران برای ایرانی ماند و فقط بوی گند نفت مشت یک عده احزاب گل و گشاه را باز کرد و نشان داد اجنبی پرستند نه ایران دوست !  
... نام جدید کوچه مهران را باید فروشگاه ثانی گذارد زیرا از هر حیث هم جاییدن و هم لاسیدن با هم شبیهند !  
... افکاری که از مغز یکمشت عمل و بنا و سپور و بر تاخال فروش بر خیزد ، مسلم است که بوی پهن میدهد !  
... ایران تا ابد زنده و پایدار خواهد ماند

است بعد از دیدن آقای همایون کفیل سابق کارگزینی وزارت دارائی و دست آویزهائی که کرده است با اداره گل پخش آمده و هرامه ۳۵۰۰ ریال حقوق دریافت می کند و تاز گیمها در صدد بر آمده است یکمهای مرخصی بگیرد و بعد از یکماه دیگر سر کار حاضر نشود تا اعمال خلاف رویه خود را بیوشاند !

و با دوشیزه اشرف میر افضلی که در اطاقش بعنوان ماشین نویسی استخدام کرده است مشغول عیش و نوش است و کمترین توجهی هم بحال مراجعه کنندگان ندارد و همیشه عده زیادی مراجعه کنندگان در پشت در اطاقش در انتظار باسخ هستند و آقای گله همانطوریکه در سه شماره پیش نوشته شده و خود تکارتنده شاهد بودیم کمسیون داشتند و اعضای کمیسیون را هم خود

### مراجعت از مرخصی

آقای طفرل که یکی از نویسنده گان نسیم شمال و چندی قبل مرخصی رفته بودند هفته گذشته بر کر مراجعت نمودند انتظار داریم نویسنده شیرین زبان ما از این مسافرت نوشته های بر ارزشی برای نسیم شمال آورده باشند .

« هما »

### ترا فراموش نمیکنم!



کاش میتوانستم ترا فراموش کنم تا شاید آرامشی را که مدتهاست از آن محروم دوباره بدست آورم !  
تا ناملایمات زندگی را فراموش کنم ... ، تا هر چیز از خاطرم رفته هر روز مانند کودکی که تازه بدنیا آمده بی خبر از همه چیز باشم !

ولی زهی غفلت ! که فراموشی تو هرگز میسر نیست !  
زیرا تو را که بغضات تو دوست میدارم چگونه میتوانم بغضات خود فراموش کنم !

پس کاش لااقل زیباییهای طبیعت در من بی اثر بود ، کاش منظره شاعرانه آسمان آبی رنگ دل داغ دار لاله ، حجب و متانت بنفشه ، چشم گریبان ابر ، بهت و لطافت ماه ، دلم را لرزان و دیده ام را گریبان نمیساخت !

ولی حیف که اینها برای همیشه زیبا و مؤثر خواهند بود زیرا ... زیرا من از دیدگان تو بیجهان مینگریم ، زیبا میها را بغضات تو تشخیص میدهم ، این روح پریشان و این دل بر شور را فقط تو بمن عطا کردی !

### من هرگز نخواهم توانست چون توئی را فراموش کنم ...

ایشان و خانم اشرف میر افضلی تشکیل میدادند !

راجع به خانم فروتن و پری سیداف و بانو کاشانی و خانم ربانی و خانم اسکویی و خانم خادمی و خانم دخی امیرپور با عکسهای که از بانوان نام برده بدست آورده ایم هفته آینده برای شما بی برده صحبت خواهیم کرد تا هر چه زود تر این کثافت بازیهای اداره گل پخش خاتمه پذیرد !

### استوار یکم غفاری

مأمور دژبان در شماره آینده

### وضع خراسان چگونه بود در هفته آینده

## تشبثات خانم فخر الدوله

### برای حفظ قصبه لشت نشا

کمپانی امینی و نفیسی چه میگویند؟

ایران مملکت عجایب است، سی سال پیش خانم فخرالدوله و امین الدوله برای تجاوز برعابا و غصب اموال آنها در کیلان بقدرت روسیه تزاری متوسل شدند و امروز آقای ابوالقاسم امینی که سوابق ننگین او در اداره بخش ضرب المثل عمومی است خیال میکند میتواند دولت اتحاد جماهیر شوروی را اغفال نماید

ابوالقاسم امینی امروز میخواهد از قدرت دولت اتحاد جماهیر شوروی استفاده کند و در لشت نشا بزاهدین و رعابا تجاوز نماید ابوالقاسم امینی در دالانهای مجلس تظاهرات زنده و خائنه ای مینماید.

ابوالقاسم امینی مجرمانه به اشغاف میگوید که ریش ماگیر است و اگر این تظاهرات را میکنم شما ترتیب اثر بدهید

ابوالقاسم امینی امروز صورت یکدلال خان را پیدا کرده و مورد معامله ایشان ایران میباشد

وقاحت و تظاهرات و فجایع زنده ابوالقاسم امینی بجای رسیده است که ما ناچار هستیم برده از روی اسرار آنها برداشته و مقاصد حقیقی خانم فخرالدوله را بخودی و بیگانه آشکار سازیم و وعده میدهیم از شماره آینده موضوع لشت نشا و چگونگی غصب اموال مردم در شمال و ثبت دادن آن بنام فخرالدوله و نامه تنظیم رعابای لشت نشا که از جور و ستم فخرالدوله بستمه آمده اند با خیانتهای ابوالقاسم امینی در اداره بخش و خسارات هنگفتی که بکشور وارد آورده و سایر حقیقت های تلخ دیگر را بنظر عامه برسانیم و فعلا بهمین مختصر اکتفا و توجه مقامات شوروی را به این نکته جلب میکنیم که این عناصر بد سابقه و رعیت آزار را بشناسند



— ۴۴ —

این کمیدی طولانی شد، من آن را طول دادم، آنقدر آنرا طول دادم که اگر روزی در خیابان راه میرفت و زمین میخورد بدون شك تصور میکرد زمین خوردن او هم زیر سر من است و من کاری کرده ام که او زمین بخورد!

پدر... این ماجرای من است، ماجرای کسی است که تو میخواهی او را بسوی سعادت رهبری کنی، آیا با این وضعیت زندگی من و او میسر است؛ آیا ما میتوانیم در کنار یکدیگر خوشبخت و کامروا باشیم؟

نه! پدر... بعدا چنین چیزی امکان پذیر نیست!

پدرم برخواست، خونسرد و بی تزلزل ایستاد، لحظه ای بهشمان من نگریدم؛ آنوقت آهسته و آرام گفت:

«تو بیگناه هستی، اما نباید مانع سعادت او باشی، سعی کن مثل يك برادر از او جدا شوی، و پس از این او را عزیز و محترم بشاری، من غیر از این چیزی از تو نمی خواهم و چیزی هم انتظار ندارم!»

...

پدرم رفت، من بی اندازه محزون و اندوهناک شدم، برای من همه چیز بجهت بی خبری و فراموشی فرو رفته بود، باز هم در برابر خود شیخ چیز نمیدیدم، باز هم زندگی من در يك ظلمت مرموزی دست و پا میزد، من در این عشق حیات خود را از دست داده بودم و روشنائی امید بخشی که ناگهان در روح من تابیده بود، محو شده بود، من احتیاج بيك داروی مخدر و خواب آوری داشتم، میخواستم همه چیز را فراموش کنم، میخواستم تب های سوزان را که گاهی سخن و طاقوت فرساست تسکین دهم!

میخواستم همه چیز را فراموش کنم، تخیلات خود، مستی های خود، تصورات خود، جذبات خود، حسیات خود، پرستیدن های یأس آلود خود، آرزو و امیال گذشته خود را فراموش کنم، «او» دیگر متعلق بمن نبود، من در او تملکی نداشتم، آن تملک عظیم و عمیق از بین رفته بود، محو شده بود، من لبخند او را، نفس او را، عطر او را، فروغ بی پایان چشمان آسمانی رنگ او را، از دست داده بودم. تخیلات من بصورت ملامتی در آمده بود و بخود

من باز میگشت...

## زن!

و طویل تر باشد، ناز و غمزه اش زیادتز است؛ زیرا موهای پر پشت تنها راه زست و اطوار خانمها است!

... هر چه بهتر و خوبتر رقص بلد باشد، همان اندازه بهتر بساز مرد میرقصد و زودتر میشود خرش کرد!

... هر چه آرایش کند، زشت تر است زیرا با آرایش خود استه خود را زیبا نشان دهد!

... هر چه لباسهای کوتاه باشد بهمان اندازه سطح فکرش کوتاه تر است!

... هر چه لاک ناخنش پررنگ تر و تیره تر باشد، بهمان نسبت قلبش کدرتر و خونخوار تر است!



... هر چه پاشنه کفشش بلند تر باشد، مقام و اهمیتش کمتر است زیرا بدینوسیله خواسته مقام خود را که گمان میکند بلندی قد است بیشتر کند!

... هر چه لباسهای گرانبهار باشد، ارزش خودش کمتر است زیرا خواسته است با پوشیدن لباسهای فاخر ارزش خود را بالا برد!

... هر چه موهایش پر پشت تر

«سیمها»

# خنده ...



۰۰۰ آنجایکه بشر نا امید و مایوس میشود ، وقتیکه راه زندگی سد شد و دیگر علاجه نبود ، هنگامی که بدبختی و فلاکت از همه طرف روی آورد و تمام منافذ گریز را بست ، در آخرین دقایق عمر لبخندی که حاکی از بدبختی و سیه روزی است ، لبان شخص را می کشاید .

او می خندد : با خنده هاییکه در زیر آفت یکدنیا انتقام و کینه نهفته است . با خنده هاییکه با حس کینه توزی توأم شده است . با خنده هایی که در حقیقت زهر خند است خویشتن را تسکین میدهد . آتش انتقام خود را کمی خاموش میکند . آن خنده چون خنده شیرشزه است ! ۰۰۰

میدانید . شیری که مدتها گرسنگی دیده ، حیوان درنده ای که پس از دوره ای سرگردانی بطعمه ای برخورد کرده بطعمه اییکه باو نیرو خواهد بخشید . بطعمه اییکه او را از مرگ می رهاند .

می خندد ! یک خنده طولانی و مهیب یک خنده اییکه از اعماق دلش بیرون می آید . خنده اییکه همه را می لرزاند آن خنده ، خنده انتقام است ، خنده کینه توزی است ، خنده ایست که بآن وسیله دندانهای تیز و بران خود را نشان میدهد ... و بانسان دادن آن آماده بودن خویش را اعلام میکنند . آن زهر خند برای طعمه او گران تمام خواهد شد . زیرا هر لحظه نیستی و نابودی او نزدیک تر میشود و روز بدبختی او را مجسم می کند .

## ساعدرفت

ولی . ملت ایران او را فراموش نمی کند

تلگراف های بیشماری که در این چند روزه از اکناف ایران به اداره ما رسیده است ثابت می کند که ساعد مرد وطن پرستی بود ، ساعد جز خدمت بایران منظوری نداشت ، ساعد در قلوب آزادخواهان و میهن پرستان ایرانی جای دارد ، و اینهمه تشکرات خالصانه ای که نثار او میشود ، مقام بزرگ او را دو چندان مینماید خدمات ساعد فراموش شدنی نیست و ملت ایران او را فراموش نخواهد کرد .

## انقلاب ! سه شنبه !

روز سه شنبه گذشته روزی بود که در تهران کمتر نظیر داشت و شاید هم بی نظیر بود .

سران رشید حزب توده در این روز هنگامه ها کردند ، دوندگی ها نمودند ، همه جا متوسل شدند و تا غروب دست از فعالیت و مبارزه با ارتجاع (!) برنداشتند .

شب پیش از آن ، یعنی شب سه شنبه ، آقایان زهمای قوم و پیشوایان معظم حزب ، دورهم جمع شده و راجع به ( انقلاب عظیمی ! ) که بایستی روز سه شنبه راه بیندازند تبادل افکار می نمودند ، و هر چه بر تقال فروش در خیابانها بود برای این انقلاب جمع آوری کردند البته خوانندگان محترم کم و بیش به نتایج بزرگی که از این انقلاب دومی حاصل شده پی بردند و چگونگی را دیدند .

یعنی پیش از اینکه رندان بکار خود بپردازند بی جهت عده ای را به کشت و کشار گرفتار کنند و از آب گل آلوده ماهی بگیرند ، دکانشان تخته شود و حکومت نظامی ما که دست آقایان را خوانده بود از یک غائله بزرگ که وقوع آن حتی بود جلو گیری کرد و تودهنی محکمی بعضرات زد . حقیقه جای نهایت تأسف است که

## دولت آینده !

گویا وضع بحران آمیز کنونی تمام شدنی نیست و دولت آینده مواجه با مشکلاتی است که بر طرف کردن آن کار حضرت قیل است !

هنوز مجلس شورای ملی دچار قحط الرجال آب لیمو ! است و نمی تواند با هزاران تفسیر مواد قانونی کسی را برای مقام نخست وزیری انتخاب کند .

هنر نزد ایرانیان است و بس !

ملت رنجیده ایران . افراد زجر کشیده این کشور . پس از سالیان دراز . بعد از مدتها سرگردانی و در بدری ، بعد از یک عمر آوارگی خواهد خندید ...

می خندد . بغائنین بکسانی که دشمن او و بالاخره دشمن ایران هستند ، می خندد بآنانی که در تار و بود کشور ما ریشه دوانده و چون عنکبوت سیاه برای از بین بردن استقلال ما منابع سرشار ما . هستی ما . ایران ما . دام گسترده اند .

می خندد مانند شیر شرزه ای که بطعمه خود می خندد .

بقیه در صفحه ۶

## هتل متروپول

دریس کوچه های خیابان ارباب جمشید هتل متروپول توسط دوازده نفر فاحشه لهستانی اداره میشود و چهارده خوابگاه مرتب برای سربازان امریکائی که توسط صاحب ایرانی آن راهنمایی میشوند وجود دارد .

ما مرفقی رئیس این هتل که خود را خیلی محترم میداند و جریان معاملات مشروع « ۱ » او را هفته آینده مفصلا شرح خواهیم داد .

## دزدی عجیب !

ملک سعیدی معاون کله چه می کند ؟

آقای ملک سعیدی که به اتهام جعل دانشنامه ای برای سیف الله افشار تحت تعقیب قانونی است ، مبالغه زبانی از فروش کوبنهای دزدی استفاده نموده و اکنون با این پول حلال و مشروع در بازار آزاد تجارت می کند !

ماطرز دزدیهای این شخص و جعل دانشنامه را در شماره آینده از روی مدارک و اطلاعات صریح بنظر خوانندگان خواهیم رساند .

این انقلاب راه نیافتاد . اگر عملی می شد صد درصد از انقلاب کبیر فرانسه و هر انقلاب عظیمی که در دنیا رخ داده بهتر و مؤثر تر میشد و دست همه را از پشت می بست ، حیف که حکومت نظامی در این مورد به توده ای ها خیلی کم لطفی کرد و از ( انقلاب دو آتشه آنها ) ممانعت نمود .

بهر صورت ما بر حسب وظیفه ای که داریم این موفقیت بسیار بسیار بزرگ و این پیروزی درخشان و درعین حال این ( عقب نشینی شمشانه و مظفرانه ) را بتمام پیشوایان کبیر و معظم توده از ته دل شاد باش و تهنیت و تسلیت ! میگوئیم .

## اگر متفقین از ایران بروند

کلاسهای درس انگلیسی و روسی از رواج خواهد افتاد ایران خواهد ماند و ایرانها ! « سما »

## حکم جعلی

آقای بلیغ را صاحب ملیونها ثروت نموده است !

آقای بلیغ بوسیله حکم جعلی مبالغه هنگفتی از عاملین رشوه گرفته و تحت تعقیب در میاید ولی متاسفانه این جاهم حلال مشکلات ایشان بکار افتاده و قضیه بوسیله رندان پاچه ور - مایلیده مسکوت میماند .

ما توجه مقامات صلاحیتدار و آقای دادستان دیوان کیفر را هفته آینده باین قضیه جلب نموده و برده از روی اعمال این شخص بر خواهیم داشت

تمام بارها و کافه های دانسینک ها و مجالس عیش و عشرت و امثال کافه های شمشاد و پلوتیا تخته خواهد شد وزارت فرهنگ یکسخت فاحشه های را که از تصدق سر آمریکائیا انگلیسی یاد گرفته اند معامله زبان خارجی مدارس دخترانه خواهد کرد بی پولی و دزد باز ارجیبی خواهد شد زیرا کار گرانی که بگرفتن پول زیاد عادت کرده اند باید بیکار و بیمار بگردند !

دیگر در خیابان لاله زار و اسلامبول بچه های و لاکر در میدان خواهند زد گوشت آمریکائی داریم ، حلوا جوزی امریکائی داریم آمد و رفت اتومبیلهای قوطی - گیری در ایران کم خواهد شد نرخ اجناس صدی پنجاه تنزل خواهد کرد زیرا دیگر خر بولهای گردن کلفت تخم مرغ رادانه ای پنجره ای نخواهد خرید !

# گریه.....



# حزب توده!

دیگری اظهار میکرد حالا است که بازار غارت بشود... خلاصه هر چه ایندرو آندر زدم باز چیزی کشف نشد بازار بسته و تعطیل کردید.

بعمدالله از طرف اداره شهربانی هم هیچ اقدام بعمل نیامد تا اینکه شب از چند نفر تحقیق کردم و هر يك نوعی پاسخ داد اولی گفت حزب توده میتینگ میداد اهالی ترسیدند بازارها را غارت کنند دومی گفت دکتر رادمش از تهران میآید از او استقبال کردند

بلاخره معلوم شد که شخصی از خراسان با قطار میآمده کسان او با جاوش تا ایستگاه با استقبال میرفته اند هوچیان حزب توده از موقع استفاده کرده شهر را منقلب و اهالی بیچاره را متوحش ساخته اند

این بود مختصری از وضع حزب توده و مناسبات اهالی با آنها تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل و بطور کلی افراد حزب توده عبارت است از یکمده چارخچی و کوک خوروز (خروس چاق) فروش باقی باواکن عقبی مجلس مخبر بسیار

آقای مدیر محترم نسیم شمال شرحی در شماره مورخه ۲۱ جاری گرامی نامه نسیم شمال راجع بحزب توده نوشته شده بود قرات با اینکه قصد داشتم اطلاعات خود را در اطراف این حزب در جریان سایر مطالب ایام مسافرت کوتاه خود بنویسم ولیکن مندرجات نسیم شمال ناگزیرم کرد که این موضوع را از سری مطالب خارج نموده شرح دهم.

روز جمعه در زنجان بودم عصر برای رفع باره ای احتیاجات رفتم بازار یکمرتبه دیدم بازار بهم خورده دکان ها بسته شد فقط چیزی که مشاهده شد دویدن چند طفل بی سروپا و فریاد (دریغ - دریغ) به بندیده بندیده آنها بود کسی هم فوری دکانها را بستند هر چه خواستم علت این انقلاب را بفهم نشد زیرا همه میپوت و از موضوع بی خبر بودند یکی میگفت الان شهر بمباران میشود

ایرانی نماینده مجلس می شود، سیاستمدار می شود؛ و جیه امله هیشود، و در برابر چشم هر بیگانه ای گریه میکنند برای اینکه عجز و ناتوانی خود را آشکار نمایند!

آری، گریه جزو خصائص ذاتی ایرانی است، و گناه این «گریه ها» بگردن «آدم» است

من اطمینان دارم زمامدار آینده این سرزمین روزی که نتواند بار ملت را بمقصد برساند و دردی از دل او بردارد؛ جز یکمشت اشک چیزی ندارد که تحویل مردم بدهد...

## زندان!

سرکار سرهنگ سیمی اما شمارا يك باوود لایق و خوش نیت شهربانی میدانیم، ولی متأسفانه مأمورین شما به اندازه ای بی تربیت و مهمل ورشوه گیر بارآمده اند که کمترین توجهی درباره مراجعین ندارند و اگر کسی خدای نکرده به آنها رشوه ندهد فوراً او را تهدید می کنند. خبرنگار مخصوص ما شخصاً ناظر جریان امورات زندان بوده است و برای ادای هر گونه توضیحاتی در این باب حاضر است.

«حجله تاسم» میخواند و اشک میریزد برای اینکه آن عروسی شکون و میمنت داشته باشد! ایرانی درخانه نوساز، «قاری» میآورد، و چند قطره اشک میفشانند، برای اینکه مادام العمر بتواند در آن خانه بار احمق زنده گی کند!

## فقط شنیده ایم

غلامعلی صفاری که در آشوب لاهیجان دست داشته و باتمام قوا در بساط مال کردن حق قانونی برادر کوچک خود میکوشید و حکم توقیف او از محاکم صلاحیتدار صادر ولی نامبرده به تهران فرار کرده و در منزل یکی از بستگان خود «امین دیوان» مخفی شده بود چندروز قبل يك گلدان نقره بپای ۸۰۰۰ ریال خریداری و با آقای دکتر رادمش هدیه نموده واستعدا کرده است آقای دکتر برای رهائی آزاد و کپل زوار در رفته لاهیجان و سایر همدستانش اقدامات لازم بعمل آورد ما این شکست بزرگ را به آقای دکتر رادمش تسلیت می گوئیم و امید واریم آقای دکتر بیش از این از اشخاص قائلان کهنه طرفداری نمایند تا معنی حقیقی طرفداری از رنجبران «ا» مصداق پیدا کند «بلبل»

روزی که خدای بزرگ «آدم» را بایک اردنک رو قبيله از بهشت دك كرد «آدم» دست «حوا» را گرفت و یکسر آمد به ایران! نشست روی تلهای خاک و شروع کرد بگریه کردن! از آن روز تا کنون، سرشت این سرزمین آباد را با اشک سرشته اند؛ و گریه جزو غریزه فطری ایرانی شده است!

خدا ترا بیامرزد! ای آدم خطا کار! ای جد اطهر من راستی مگر جا قحط بود که ایران را برای ابتکار انتخاب کردی؟! بیاو به بین که از برکت چند طاره اشک تو، چه جو بهالی از آب دیدگان مردم ایران روان گشته است!

ایرانی گریه میکند، ایرانی اشک می ریزد، ایرانی عجز دارد، لایه دارد تضرع دارد، ایرانی گریه و زاری را بیش از قدرت و اقتدار دوست میدارد، ایرانی در پای هر مهاجمی اشک ریخته است، ایرانی با اشک نمو میکند!

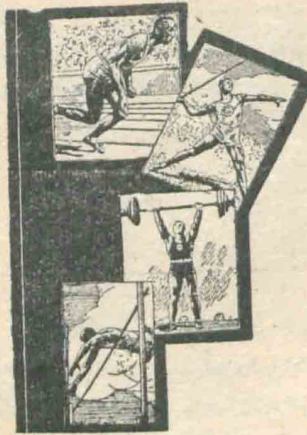
ایرانی شیهای جمعه پای منبر روزه گریه میکند، برای اینکه هفتاد هزار گناه کبیره و صغیره او بششیده شود! ایرانی در روز عروسی نوحه



## بچه گتک میخوری

- ۱ - قدمت را بحزب توده بگذاری
- ۲ - زنده باد، مرده باد بگوئی
- ۳ - چون بعضی از مدیران روزنامه مزدور اجنبی برست شوی!
- ۴ - در زندگي مثل بعضی وکلای مجلس مرام نداشته باشی و بهر طرف باد آید باد دهی
- ۵ - چون روسای «میتینگیان» کم عقل و بی شهور باشی!
- ۶ - ۱۸ ریال پول مفت بدهی و به این سینماهای کثیف بروی
- ۷ - مثل بلیط فروش سینما مایاک (کوچکتر!) بی ادب باشی!
- ۹ - بلاخره گتک میخوری اگر گتک خورت سفت باشد!

# صدقیانی باید بروند!



یکمشت قائلان کهنه ای که باندازه یکشاگرد مدرسه از فنون ورزشی اطلاع ندارند، یکمده و چوپا و ظاهر سازی که جز پشت هم اندازی سرمایه ای نیندوخته اند، مثل کهنه، باداره تربیت بدنی چسبیده اند و نیکگذارند وضع ورزشی جوانان ایران رو به بهبودی رود...

صدقیانی که در راس اینمده قرار دارد و تاکنون علاوه بر اینکه نتوانسته کاری انجام دهد فوتبال ایران را با آخرین درجه پستی رسانده است سر دسته این قائلان کهنه ها و شارلاتانها بشمار می رود، و بانهایت پررومی و سماجت نیات پلید خود را اجرا میکند، این بی تربیت مهمل مدرک ورزشی ندارد، اطلاعات علمی ندارد و جز مشروب خوری در کافه ها و نشستن پشت میز بوکرها هیچ نمیداند!

ما از رئیس اداره تربیت بدنی پرسیدیم که مدرک ورزشی و علمی این مرد را بمانشان دهند و ایشان در این مورد سکوت کردند، زیرا خودشان بهتر میدانند که صندوق اداره تربیت بدنی به این شخص پول بامفتی و باج سبیل میدهد و صدقیانی کسی نیست که از فنون تربیت بدنی آگاه باشد

صدقیانی باید از تربیت بدنی برود، برود و بوکر بازی کند، برود و دست از سر فوتبالبست های جوان بردارد برود و کس دیگر که شایسته این مقام باشد بیاید!

والا... «فاریده»

## آقای خدا بخش گودرز

نامه شما بدفتر اداره ما رسید، ما اصولا با اشخاصی که سوابق مردم آزاری و کلاه برداری و حبس دارند هیچگونه خصوصییتی نداشته و نداریم و نامه شما را قابل جواب نمی شماریم.

## آقای مهران شما چرا!

پاسخ گله دوستانه مجله نیرو و راستی را هفته آینده در ستون ورزشی این روزنامه ملاحظه نمایید

# توضیح مختصر

روزنامه رزم در چند شماره پیش نسبت بهمکار محترم ما آقای حسین فاطمی مدیر روزنامه باشهات باختر مقاله توهین آمیزی درج نموده بود که موجبات تاسف ما و عموم آزادبخواهان را فراهم آورد اینک برای رد مقاله مزبور پاسخ آقای فاطمی را چاپ نموده و امیدواریم این توضیح مختصر بتواند همکار عزیز ما را بکلیه مهین برستان حقیقی بشناساند.

تحریرکات کودکانه و بی ارزش احتیاجی بجواب ندارد اما از نظر اینکه چند نفر جوان توده ای که شاید خوانندگان روزنامه رزم باشند گمراه نشوند لازم دیدم توضیح بدهم:

پس از شهریور ۱۳۲۰ نیز روزنامه

باختر در اصفهان منتشر میشد و بر علیه

مشتی غارتگر اداری و کارخانه چیمای

طماع مغرض بمبارزه پرداخت شدت این

مبارزه مورد توجه معاضد داخلی و خارجی

گردید، در آنوقت هنوز کسی باور نمی

کرد که ممکن است یکروز این کشور

از چنگ دیکتاتور دیوانه و همدستانش

نجات پیدا کند از این جهت مامورین

محل و متنفذین شهری برای اینکه نظایری

پیدا نکنند روی اشترک منافع دست

اتحاد بیکدیگر دادند و بیرونده سازی

پرداختند وعده ای بیکانه از جمله مرا

نیز بعنوان مخالفت با پیمان سه دولت

دستگیر کردند در صورتیکه تاریخ

دستگیری ما پیش از انعقاد قرار داد و

حتی طرح آن در مجلس شورای ملی

است و برای تایید اینکه صرفا دسیسه

بوده است کافیت که اظهار بدارم که

چند روز پیش از آن واقعه سر لشکر

شقاتی فرمانده لشکر اصفهان بوسیله

تلگراف رمز بهتیران خبر داد که

«حسین فاطمی میخواند در این

شهر کودتا بکنند»

بیچاره این زئرال بی مغز مثل

امروز شما خیال می کرد از مضایره

مزخرفات بی معنی ممکن است مرا از

میدان مبارزه خارج نماید نتیجه این شد

که ۲۷ روز مرا توقیف کردند پس

از رسیدگی در دادن و غارتگران شهری

و پاپوش دوزهای اداری رسوا شدند

و حتی خود مقامات متفقین در همان وقت

صریحا قلابی بودن این قضیه را بدوایر

اصفهان رسما تذکر دادند اما اینکه

آن آزادبخواه اصفهانی بشماره قرار باز

برس تمسک بسته است من نمیدانم

ایشان چرا انقدر مفرضانه فکر کرده

اند در آن دستگاه قضایی که عده ای

بقیه در صفحه ۶

آقای دکتر کشاورز بنقل از يك روزنامه گمنام که در اصفهان چاپ می شود در روزنامه رزم نوشته اند که من مخالف پیمان سه گانه بوده و مدتی در شهر یانی بدستور مرحوم فروغی در توقیف بسر برده ام گرچه این گونه

بقیه از صفحه ۴

## خنده

آن خنده بقیمت جان خائنین تمام خواهد شد. آن خنده آخرین مرحله زندگی و پایان جاسوسی آنها را اعلام می کند و من اینکه بآن ایرانیانی که از همه جا مایوس شده اند، بآن وطن پرستانی که در بیفوله ها زندگی می کنند، میگویم که دشمنان خود را بشناسید، دشمنان شما کسانی هستند که میخواهند ایران را مستعمره کنند، آنها بعضی

از روزنامه نویسانی هستند

که در مکتب وطن فروشان

درس خوانده اند، آنها اشخاص

دو روئی هستند که ملیت و

استقلال ایران را بازیچه خود

قرار داده اند - و چون روز نامه

فروش و لگردی که برای فروش متاع

خود زمانی موافق دولت و اندکی بعد

مخالف دولت خود را جلوه می دهند و

سرانجام همان روزنامه فروش است،

آنان هم یکروز دوست ایران و يك

روز دشمن ایران هستند، مدتی سنک

میهن دوستی بسنه می زنند و سرانجام

که هنگام آزمایش می رسد، جنس

خود را بروز داده و مخالف آنچه که

صورت ظاهر آنها است معرفی میشوند

آنها کسانی هستند که اکثریت توده

ایران را بصورت یکمشت حمال، برتقال

فروش سپور نشان می دهند. آنها را

بشناسید.

و اگر خواستید بخندید؟

به آنها بخندید.

اگر خواستید نشان دهید

از آنان بگیرید

## تقاضای ورزشکاران

هیئت ورزشکاران ایران از کمیسیون محترم حقوقی وزارت دادگستری تصویب تقاضای یکدرجه تخفیف را در باره محکومیت مصطفی تی بد معروف به لره که جوان ۲۰ ساله و بدون پیشینه و متکفل چندین برادر کوچک و خواهر عایل و زن حامله نورهروس میباشد استدعا مینمایند از طرف ورزشکاران ایران

نسیم شمال - جتدر بموقع خواهد بود که کمیسیون محترم حقوقی وزارت دادگستری تقاضای ورزشکاران را بر آورده نموده و جوان بیچاره ای را محکوم به فنا نمایند.

## دکتر محمود تفضلی

پزشک معالج کلیه امراض داخلی و مقاربتی لاله زار نو - چهارراه کنت تلفن ۸۵۲۰ از ساعت ۹ تا ۱۲ و از ۱۷ تا ۲۰ پذیرای مینماید

## چرا در فوتبال

عقب هستیم؟ بقلم آقای حمید محمود پور مربی تربیت بدنی در شماره آینده

آقای مهران شما چرا! پاسخ گله دوستانه مجله نیرو و راستی را هفته آینده در ستون ورزشی این روزنامه ملاحظه نمایید

### اضافه حقوق!

نمیدانیم چطور شده که اداره جلیله سیلوا از جان گذشته و اضافه حقوق مفصلی به کارگران خود داده است!

لابد تصور میکنید که اضافه حقوق آنها باندازه ایست که میتوانند تمام مایحتاج زندگی خود را بر طرف کنند شیر... اشتباه می کنید، اداره سیلوا ها بپهر نقری در روز فقط «صنم» اضافه حقوق میدهد، و در مقابل این حاتم بغشی عجیب اخطار بلند بالایی شطاب به کارگران صادر نموده است که چون ما حقوق شما را به اندازه کافی «د» زیاد کرده ایم انتظار داریم با جدیت بیشتری کار کنید و بدانید که ما خیلی در باره شما ارقاق کرده و واقعا از جان هم گذشته ایم.

شما؟ فکر میکنید شوخی است؟! شیر حقیقت معض است!

بقیه از صفحه ۶

### توضیح مختصر

از هم مسلکانشان ابدلایل و براهین ثابت بچرم جاسوسی محکوم قطعی نمودند آیا قرار موقت باز پرس با اتهام دخالت در سیاست قابل استدلال است؟ آقای دکتر کشاورز و رفقایشان خوب مرامی میشناسند و اینها گویا تجاهل العارف فرموده اند و خوب میدانند که حربه هووچنجال زعمای توده در مورد من کند خواهد بود زیرا در تمام دوره زندگانیم یکنقطه ابهام و تاریک ندارد خیلی روشن است بیجز مبلغی قرض روزنامه نویسی بیانکها (غیر از بانک روس و ایران و بانک شاهی) و اشخاص متفرقه یکدیگر ثروت ندارم، از هیچ اداره دولتی یا بنگاه غیر دولتی مقرری و حقوق نمیگیرم پارك چند طبقه در خیابان شاهرضا و سابقه نزدیکی به حکومت دیکتاتوری بعنوان پزشک و پیشینه لیدی پرورش افکار را ندارم الان هم حقوق

### اعلان

چون فرهنگ جامعه فارسی به فرانسه که دارای تمام لغات مصطلح فارسی و عربی بوده و احتیاجات فارسی زبانان را که میخواهند زبان فرانسه را فراگیرند از هر جهت مرتفع سازد تا حال بدست رس جامعه گذارده نشده است لذا برای خدمت بهم میهنان عزیز زبان مادری در درجه اول و سپس بدانشندان و کسانیکه مایل به فراگرفتن زبان فرانسه هستند با صرف شش سال وقت موفق به تهیه آن گردیدیم که قریبا برای طبع و توزیع حاضر خواهد بود این فرهنگ که دارای تقریبا یکصد هزار لغت فارسی و عربی و واژه های نو و ضرب المثلها که بین فارسی و فرانسه زبانان متداول است و قریب هفتاد هزار لغات فرانسه میباشد بشام فرهنگ غفاری

نماینده و کرسی استادی و دستمزد زودبندهای حزبی نمیگیرم.

اگر بکروز حقایق از چنچال و مقلطه تشخیص داده شد و ملت ایران از هیاهوی شما آزاد بخواهان؟ دیبی فارغ شد میفهمد که کدامیک از ما، من یا شما راست میگوئیم و متفقین هم بی میبرند که چه اشخاصی بر علیه منافع و مصالح آنها دلالی میکنند!

**آقای دکتر!**

من افتخار میکنم که باسر نیزه بیگانگان و تلگرافهای رمز سهیلی و کیل نشدم و روزنامه و حزب برای فروش مملکت و تعیین حریم اجانب باز نکردم حساب من و روزنامه باختر را هر وقت هر ایرانی و غیر ایرانی حتی آقای دکتر کشاورز بخواهد بازرسی کند منامی نخواهد داشت و باکمال میل از محاسبه روشن و باک من میتوانم مطلع شود.

پاسخ اینکده رفقای آقای دکتر مرقوم فرموده اند که من در اصفهان يك كودك ولنگرد بوده ام اینستکه بقول شما چگونه يك كودك ولنگرد با بیمان سه دولت مخالفت می کند و بقول شقایق می خواهد در جنوب کودتا نماید

جواب شما را هزاره نفر کارگر و کشاورز و اعیان و کارخانه داران و مامورین دولتی آن شهر که دیده اند چگونه در تمام مدت زندگی اجتماعی خویش با مناعت طبع و شرافت نفس زندگی کرده ام میدهند از همین آقای تقی فدakar لیدر امروزی حزب توده بپرسید آنوقت با سرمایه داران و کارفرمایان بی انصاف مبارزه میگردم ایشان هم

### نسیم شمال

یکشنبه ۲۸ آبان

شماره ۴۹ ریال

جای اداره خیابان دروازه

شماره تلفن ۶۶۷۶

بهای اشتراك

۲۵۰

۱۹۰

سالانه

فصلانه

نامیده شده است امیدوارم این خدمت ناچیز اسباب تسهیل کار دانشجو ۱ و دوستداران زبان فرانسه و مورد استفاده کامل ارباب دانش واقع گردد

ش ۶۸۹ امیر جلال الدین غفاری

آقای امیر جلال الدین غفاری (مهندس المالك) از دانشمندان بزرگ ایران هستند مشارالیه سالهای متعددی در کشورهای مختلف اروپا مشغول تحصیل و مطالعه بوده - در فرانسه برای شناساندن ایران - ایرانی و فرهنگ ایران متحمل زحمات زیاد شده اند ما امیدوار هستیم فرهنگ ایشان صرف نظر از اینکه مورد توجه عموم علاقمندان بر زبان فرانسه قرار بگیرد وسیله ای برای قدر شناسی جامعه ایرانی نسبت به معظم الله باشد

یکی از هزاران نفر مردمی بودند که هر روز بن تبریک و تهنیت میگفتند

**آقای دکتر!**

همقطاران شما اطمینان داشته باشند که هیچوقت من از سوابق ایشان در باختر چیزی نمینویسم زیرا روزنامه مال من نیست و برعکس روزنامه شما مربوط به جامعه است هر وقت جنک تن بتن داشتند در میدانهای عمومی شهر برای کشتی گرفتن حاضر شوند اینجا مبارزه ما و شما روی یکپداف اصولی است و حساب شخصی در کار نیست

خواهشمند است این پیام من را بر رفقای هم تیب خودتان برسانید و بگوئید که من خیال می کنم به مجسمه های فحش جواب دادن برای هر فردمدی شرافت توهمین است بدین سبب این چند سطر را بعنوان آخرین توضیح تلقی فرمائید و دیگر در زمینه های شخصی جوابی برزم یا رهبر و همقطاران دیگر شان نخواهم داد و امروز هم بسیار جای تاسف است که یکسئون از روزنامه را مثل مبارزه هر روزی شما سیاه کرده ام.

حسین قاضی

### چاپخانه سپهر

## حزب تو را چه میکند

دو روز پیش ساعت ۹ صبح اعضای مزور حزب توده باز موضوع جشن انقلاب اکثیر را بهانه نموده و میخواستند نمایشانی بر علیه استقلال مملکت بدهند ولی با تمام مقدماتی که تهیه دیده بودند نتوانستند بیش از یکصد و پنجاه نفر عمله اجیر نمایند و از قرار معلوم چون دفعات قبل مزد عمله ها را نداده بودند اجتماع انتضاح آمیز پریروزی آنها از عده مختصری عمله و معدودی تماشاچیان معمولی تجاوز نمیکرد.

این عده غیر از فحاشی بمقام سلطنت و حکومت نظامی و میجاس شورای ملی و دولت و روزنامه های ملی کار دیگری نمیکردند و بایکسرت رجاله بی سر و پا بر علیه استقلال مملکت داد سخن میدادند.

دیروز صبح اعضای حزب از روی ناچاری تابلو ها را پائین آورده ومدتی در خیابان فردوسی سرگردان و حیران ماندند.

ما این شکست بزرگ و تردید ناپذیر را بکلیه آزاد بخواهان تبریک میگوئیم

### آگهی

شهرداری تهران تهیه و نصب چهار عدد چراغ راهنما طبق نمونه موجود در میدان سپه اول خیابان ناصر خسرو را بمناقصه میگذازد.

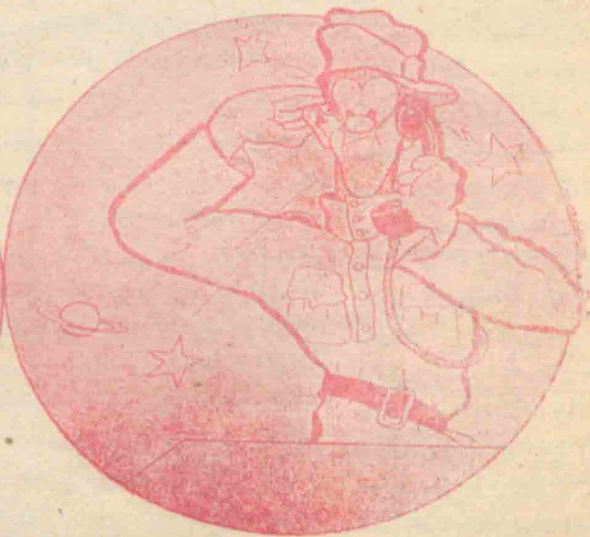
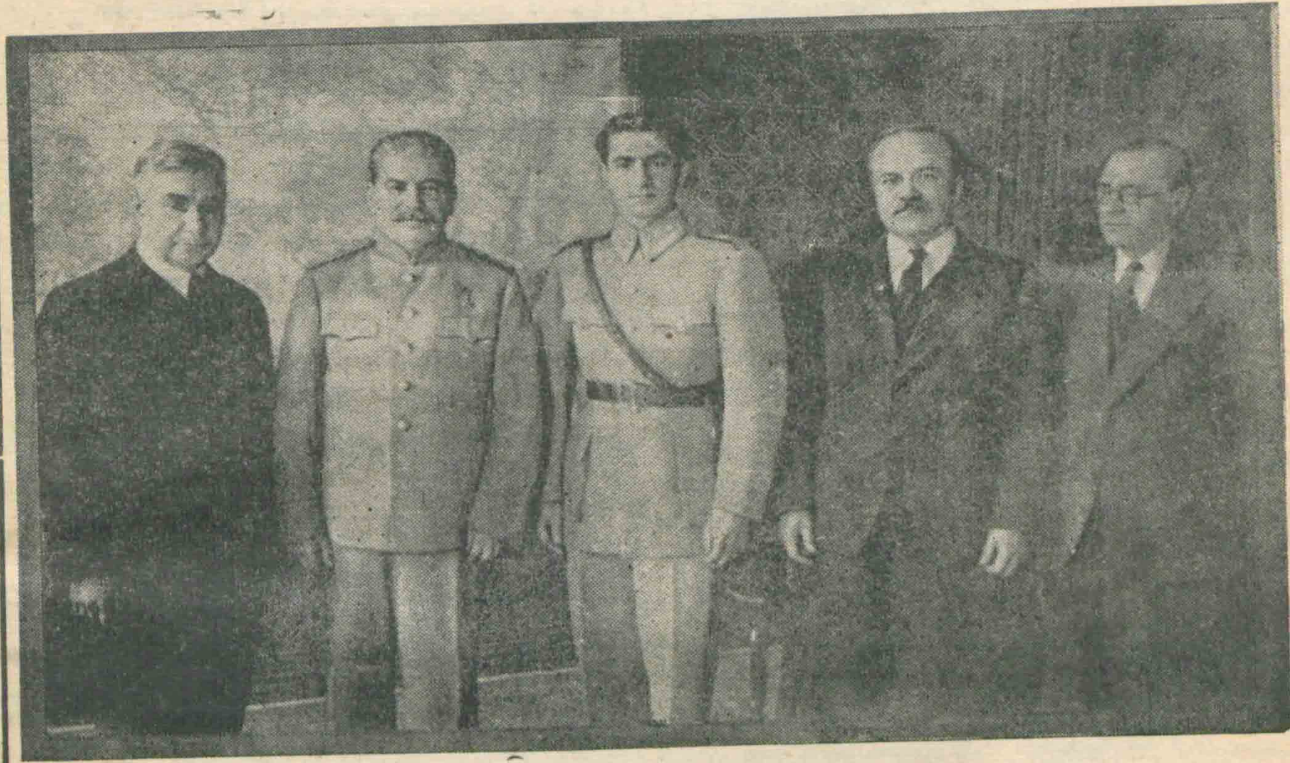
داوطلبان میتوانند با پرداخت یکمزار ریال ودیعه بداره در آمد شهرداری پیشنهاد خود را بانضمام قبض ودیعه در پاکت سر بسته که روی آن قید شده باشد (مربوط بمناقصه چراغ راه نما) تا ساعت ۱۱ روز چهارشنبه اول آذر ماه ۱۳۲۳ بصندوق هیئت نظارت واقع در عمارت شهرداری بیندازند پیشنهادها در ساعت ۱۲ همان روز با حضور پیشنهاد دهندگان باز قرائت خواهد شد. به پیشنهادهای واصله که فاقد قبض ودیعه باشد ترتیب اثر داده نمی شود. شهرداری در رد یا قبول پیشنهادها مختار است.

مناقصه بپرس اصابت نمود و حاضر بانجام آن نشد مبلغ سپرده بسود شهرداری برداشته میشود. هزینه این آگهی بمده برنده مناقصه است.

شهردار تهران

ش - ۶۸۶

اتحاد جماهیر شوروی  
بزرگترین دوست ایران است  
یک‌کده وطن فروش نمیتوانند این دوستی مودت آمیز  
را بهم زنند



کار را به کاروان سپرده اند!!

- ۱ - کجا هستید ؟
- ۲ - کی هستی ؟
- ۳ - تو با این هوش آنجا چه میکنی ؟
- ۴ - کی ترا گذاشته آنجا ؟

- ۱ - بنه ( بنده ) !! ایجا پای تی لی فان
- ۲ - بنه ( بنده ) !! تیلی فان چی
- ۳ - قربان تلی فان میکنم
- ۴ - بنه خودم هم نمیدانم